

در باره یورش حکومت به خانواده‌های جانباختگان

بیانیه حزب کمونیست کارگری، صفحه ۴

MAHSA DAY
16 SEPTEMBER

در روز ۲۵ شهریور سالگرد

مهسا (ژینا) امینی

وعده ما در خیابان‌ها



نظام با مهسا امینی مدارا کرد!!

کاظم نیکخواه، صفحه ۲

پیامی به اپوزیسیون راست؛ کارگران تعیین میکنند

یاشار سهندی، صفحه ۶

اعتراضات خشمگین بازنشستگان نامین اجتماعی، پرستاران و معلولان در چندین شهر

درد ما درد شماست مردم به ما ملحق شوید، صفحه ۹

سخنرانی "وزیر آموزش و پرورش" در نماز جمعه کرمانشاه!

مهران معلم، صفحه ۳

سه روز اعتراض پر شور بخشهای مختلف بازنشستگان

صفحه ۱۰

مدیای اجتماعی

بیانیه دادخواهان به مناسبت سالگرد انقلاب مهسا

۲۵ شهریور، روز مهسا یک روز تاریخی است، صفحه ۷

دادگاه سپیده قلیان پشت درهای بسته برگزار شد

سپیده از جانب مردم به صورت بازجو خبرنگار حکومتی تف کرد

عثمان اسماعیلی به ۳۹ ماه حبس محکوم شد

کمپین برای آزادی کارگران زندانی، صفحه ۱۱

بیانیه شورای هماهنگی در خصوص بازداشت فعالین حقوق زنان در گیلان، صفحه ۱۲

انفجار در پالایشگاه گاز سرخس و درگذشت دو کارگر، صفحه ۱۲

در آستانه سالگرد بزرگترین تکانه مردم ایران، در آستانه انقلاب زن زندگی آزادی، هجوم گسترده علیه

جامعه و بخصوص "زنان" نشان از چیست؟ شورای بازنشستگان ایران، صفحه ۱۰

**کارگر
کمونیست**

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۷۹۴

۶ شهریور ۱۴۰۲

۲۶ اوت ۲۰۲۳



دوشنبه ها منتشر میشود

کارگران در هفته‌ای که

گذشت

تهیه کننده سهیلا رضوانی

صفحه ۸

جنبش دفاع از حقوق

کودکان و انقلاب

رها ثابت، صفحه ۵

پتروشیمی چوار، نمونه

بارز توحش و بردگی

شهلا دانشفر، صفحه ۲

به حزب کمونیست

کارگری بپیوندید!

تلگرام: @wpi_tamas

۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

tamas.wpi@gmail.com



نظام با مهسا امینی مدارا کرد!!

کاظم نیکخواه

در آستانه سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی، نام مهسا امینی بیش از پیش به خاری در چشم حکومت و حکومتیان تبدیل شده است. سران و دست اندرکاران فعلی و سابق حکومت همچنان خود را زیر فشار می بینند که در مورد قتل این دختر جوان به دلیل حجاب، توجیهی دست و پا کنند و هر بار که زبان باز میکنند خود را بیشتر رسوا و مضحکه میکنند.

اسدالله بادامچیان از اصولگرایان متعصب و منفور پیرو خمینی و از مسئولین قدیمی حکومت و دبیرکل حزب موتلفه که از جریانات موسوم به اصولگرای حکومتی است، در مصاحبه با ایلنا گفت: «رفتار گشت ارشاد با مهسا امینی چیزی نبود. یک مقدار نظام با خانم مهسا امینی مدارا کرد. او با لباس مبتذل در تهران به پارک رفت و وقتی به او تذکر دادند شروع کرد به فحاشی و دعوا. در مقرر گشت ارشاد حالش بهم خورد و بعد فوت کرد»

اینکه این فسیلهها در مورد یک جنایت آشکار در مورد یک دختر جوان به چنین جفنگیات مضحکی افتاده اند، و حتی دهان کثیفشان را باز میکنند و حتی از «مدارا» با مهسا امینی حرف میزنند، بیانگر فضای متعرض جامعه است که گلوییشان را گرفته

است و مشت به دهانشان کوبیده و اینها مشاعرشان را از دست داده اند و هرکدام مجبورند توجیهی برای آن دست و پا کنند و به رسوایی خود بیفزایند. نام ژینا، مهسا امینی بدون هیچ تردیدی با سرنگونی حکومت اسلامی گره خورده است. او به نماد دادخواهی علیه جنایات دهها هزار نفره و عظیم حکومت علیه مردم در این کشور تبدیل شده است و هرچه این جانوران تلاش کنند این جنایت را لاپوشانی کنند، بیشتر در لجن فرو میروند و به رسوایی خود بیشتر دامن میزنند. انقلاب زن زندگی آزادی، انقلاب ژینا، کار این سیستم جنایت و دروغ و تحجر و زندان و چپاول را تمام خواهد کرد.

پتروشیمی چوار، نمونه بارز توحش و بردگی

شهلا دانشفر



روز ۲۹ مرداد کارگران مجتمع پتروشیمی شهرستان چوار در اعتراض به سطح نازل حقوقها و وخامت هر روز بیشتر وضع معیشتی شان اعتصاب و تجمع کردند. اجرای طرح طبقه بندی مشاغل که چندرغازی به حقوقشان اضافه میکند و همسانسازی حقوقها خواست فوری آنهاست. دو ماه قبل مدیر عامل پتروشیمی قول یک ماهه برای پاسخگویی به مطالبات کارگران را داده بود. اما عملی نشد. بیش از یکسال از وعده اجرای طرح طبقه بندی مشاغل میگذرد و خبری نیست. به گفته کارگران نه تنها به وعدهها عمل نشده بلکه بعد از خودکشی حیدر محسنی کارگر اخراجی در ماه گذشته، تعدادی از کارگران معترض ممنوع‌الورود و تویخ شدند!

این اخبار تا همین جا نشانگر عمق جنایتی است که در پتروشیمی چوار و در محیطهای کاری میگذرد. اعتراض ۲۹ آذر کارگران مجتمع پتروشیمی چوار پاسخ آنان به این قلدریها بود. بعلاوه هر روز در گوشه ای از نفت، این مرکز کلیدی کارگری شاهد اعتراضی هستیم. از جمله کارگران پروژه ای پیمانی و کارگران رسمی نفت در ادامه اعتراضاتشان با خواست افزایش حقوقها و برای پیگیری مطالباتشان اولتیماتوم داده اند که اگر پاسخ نگیرند قدرتمند تر به میدان خواهند آمد.

پتروشیمی چوار نمونه بارزی از اوج توحش و بردگی در قبال کارگران است. فشار کاری و معیشتی به حدی بالاست که طی یک سال اخیر، ۴ کارگر آنجا به اسامی حیدر محسنی کارگر، محمد منصوری، علی محمد کریمی و آرش تبرک، از شدت

خشم و نفرت به وضعیت جهنمی زندگی در حاکمیت جمهوری اسلامی دست به خودکشی زدند و جانباختند. درگذشت این عزیزان را به خانواده هایشان و به همگان تسلیت میگویم.

این کارگران با قراردادهای موقت برده وار و در وضعیت اسفبار معیشتی و در زیر دست مشتت سرمایه دار بیرحم و پیمانکار مفتخور و در همدستی با حکومتیان به اینجا رسیدند و از شدت خشم و انزجار دست به چنین اقدامی زدند. این کارگران قربانیان شرایط برده وار کاری در محیطهای کار تحت حاکمیت سرمایه داری هار جمهوری اسلامی هستند. سرمایه داران جنایتکار دست در دست حکومت، عاملین اصلی چنین جنایتی هستند. چنین اتفاقاتی بیش از پیش بر اعتراض و خشم کارگران در سطح سراسری شدت میدهد. موج وسیع اعتراضی در مدیای اجتماعی و در محیطهای کاری نشانگر آنست. مردم با خیزشهای انقلابی شان و با انقلاب زن زندگی آزادی، زندگی ای شاد و انسانی را فریاد میزنند. امروز همه شواهد حاکی از در پیش بودن موج قدرتمندتری از انقلاب، سخن میگویند. (مندرج در ژورنال شماره ۵۰۷)

زن زندگی آزادی!

مهران معلم

سخنرانی "وزیر آموزش و پرورش" در نماز جمعه کرمانشاه!

میلیون تومان با خط فقر فاصله دارد سخن به میان آورده. آیا رییس مجلس از حقوق چند ده میلیون تومانی نمایندگان و ایضا سایر امتیازات ایشان در تربیون نماز جمعه تا کنون خبر داده است. پیشنهاد میشود که معلمان زندانی را آزاد کنید و میکروفن ها را به دستشان بدهید تا مشکلات و مطالباتشان را اعلام کنند وگرنه خاموشی گزینید! "

یک خواست اعتراضی ما معلمان همواره افزایش حقوق به بالای خط فقر و برچیده شدن حقوقهای نجومی بوده است. و این خواستی است که امروز در تجمعات روزهای سه شنبه های اعتراضی معلمان بازنشسته با شعار "خط فقر 30 میلیون حقوق ما 7 میلیون" و با فریاد "درمان رایگان حق مسلم ماست"، بازتاب یافته است. و شعار "وزیر بی لیاقت استعفاء استعفاء" پاسخ ما معلمان در کف خیابان به جناب رضا مراد صحرایی است. رضا مراد صحرایی در سخنرانی اش همچنین از "سند تحول بنیادین مبنای آموزش و پرورش مبتنی بر قرآن و مبانی اسلام سخن گفت. این سخنان در آستانه یکسالگی انقلاب زن زندگی آزادی است که از زبان وزیر آموزش و پرورش بیان میشود. دلپیش نیز انقلابی است که یک نیروی مهم اعتراضی آن همین دانش آموزانی بودند که با آتش زدن حجابها و با اعتراضات هر روزه شان شعار آزادی، آزادی، آزادی را سر دادند. و دلیل دیگرش اعتراضات ما معلمان است که فریاد زدیم و گفتیم آموزش ایدئولوژیک ملغی باید گردد. گفتیم مدرسه جای آخوندها نیست. علیه کودک همسری و محرومیت کودکان از تحصیل ایستادیم و بر آموزش و پرورش رایگان، مدرن، انسانی، شاد و با کیفیت تاکید کردیم. خیال جناب رضا مراد صحرایی راحت، جواب او را ما معلمان در کف خیابان و همراه با مردمی که از کل این بساط بربریت و توحش به امان آمده اند، میدهیم. معیشت، منزلت، حق مسلم ماست.

روز سوم شهریور رضا مراد صحرایی سخنران پیش از خطبه های نماز جمعه در کرمانشاه بود. شاید این اولین بار است که وزیر آموزش و پرورش سخنران نماز جمعه است. این اقدام او قبل از هر چیز استیصال حکومت و قدرت و جایگاه مبارزات ما معلمان آنها در آستانه یکسالگی انقلاب زن زندگی آزادی و شروع سال جدید را به نمایش میگذارد. آغاز سال تحصیلی جدید که همواره پیام آور دور جدید از اعتراضات معلمان و امروز در همراهی مردم برای پیگیری خواستههایشان است. در این سخنرانی بخشی از صحبتهای رضا مراد صحرایی بر سر حقوق معلمان که یک موضوع مهم مبارزات چند ساله آنان است متمرکز بود. در حالیکه قیمت هزینه های زندگی و نرخ تورم سرسام آور و نجومی افزایش می یابد و خودشان از خط فقر سی میلیون سخن گفته اند، افتخار رضا مراد صحرایی در این سخنرانی اینست که معلمی ندارند که زیر ده میلیون تومان حقوق بگیرد. (بیشتری هم حدی دارد). او با گفتن اینکه تا سال گذشته 240 هزار معلم کشور کف حقوق را دریافت نمیکرده اند و با اجرای رتبه بندی معلمان میانگین حقوق معلمان 26 درصد افزایش داشته چنین ادعای سخیفی را میکند. الان هم در برابر اعتراضات گسترده ما معلمان به اجرای سرهم بندی شده طرح رتبه بندی او عاجزانه وعده تدوین اصلاحیه ای بر این طرح را میدهد. طرحی که زیر فشار اعتراضات گسترده و قدرتمند ما معلمان که دامنه اش بیش از 200 شهر را گرفت در دستور کار حکومت قرار گرفت و هنوز هم این مساله یک موضوع جدال ما با حکومت است.

این سخنان رضا مرادی طبعاً با واکنش اعتراضی شدیدی در مدیای اجتماعی از سوی معلمان روبرو شد. در پاسخ به این بیشتری معلمان در مدیای اجتماعی نوشتند: "رضا مراد صحرایی با افتخار از حقوق ده میلیون تومانی معلمان که بیست

شعار زن زندگی آزادی، شعار انقلاب

سلطه مذهبی و قطع دست مذهب و نهادهای مذهبی از زندگی مردم!
 آزادی یعنی آزادی همه زندانیان سیاسی و باز کردن در همه زندانها!
 آزادی یعنی انحلال کلیه نیروها و نهادهای سرکوب و جاسوسی علیه مردم!
 آزادی یعنی پایان دادن به همه مقدسات و تابوها و دگم و جبر مذهبی تحمیلی بر جامعه!
 آزادی یعنی آزادی بی قید و شرط بیان و تشکل و اجتماع و اعتراض!
 آزادی یعنی حاکمیت مستقیم شهروندان و لغو هرگونه حکومت مافوق مردم!
 زن، زندگی، آزادی یعنی سرنگونی جمهوری اسلامی و برپایی جامعه انسانی

-زن یعنی احترام به زندگی! یعنی برابری همگان و رفع هرگونه تبعیض!
 زن یعنی لغو حجاب اجباری، ممنوعیت حجاب کودک! یعنی لغو همه قوانین ضد زن اسلامی!
 زن یعنی پایان دادن به آپارتاید جنسیتی در ایران!
 زن یعنی پایان دادن به هرگونه ستم و تحقیر و توهین مذهبی به زنان و به همه مردم!
 زندگی یعنی رفاه و شادی و معیشت و منزلت برای تک تک انسانها!
 زندگی یعنی پایان دادن به استثمار و بردگی مزدی! یعنی پایان دادن به نابرابری اقتصادی!
 زندگی یعنی رفاه و حرمت و شادی کودکان!
 زندگی یعنی آب و هوای پاک و آفتاب آزادی یعنی به گور سپردن حکومت و

ماهواره یوتلست
 فرکانس، ۱۱۳۸۷
 پولاریزاسیون، عمودی
 سیبیل ریت، ۲۷۵۰۰
 اف ای سی، ۵/۶

ماهواره یاه ست
 فرکانس، ۱۱۷۶۶
 پولاریزاسیون، عمودی
 سیبیل ریت، ۲۷۵۰۰
 اف ای سی، ۷/۸

KANAL JADID
 کانال جدید

پخش زنده آنلاین:
 پخش زنده
 newchannel.tv/live/tv

فرکانس های
 تلویزیون کانال جدید
 در ماهواره های:

www.newchannel.tv
 nctv.tamas@gmail.com

زندگی یعنی رفاه و شادی و معیشت و منزلت برای تک تک انسانها!
 زندگی یعنی پایان دادن به استثمار و بردگی مزدی! یعنی پایان دادن به نابرابری اقتصادی!
 زندگی یعنی رفاه و حرمت و شادی کودکان!
 زندگی یعنی آب و هوای پاک و آفتاب

بیانیه حزب کمونیست کارگری

در باره یورش حکومت به خانواده‌های جانبختگان

در آستانه اولین سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی، حکومت اسلامی از برآمد مجدد انقلاب در شکل مراسم‌های سالگرد جانبختگان وحشت دارد و برای ممانعت از این امر به هر رذالت و جنایت و توحشی دست میزند. خانواده جانبختگان را زیر شدیدترین فشارها قرار میدهد، تهدید میکند، دستگیر میکند و احکام سنگین زندان صادر میکند تا این خانواده‌ها را به سکوت وادارد که البته با مقاومت جسورانه و شورانگیز آنها پاسخ می‌گیرد. حکومت اسلامی با راه انداختن شکنجه روحی و عاطفی سازمانیافته علیه این خانواده‌ها پرونده سنگینش در جنایت علیه بشریت را سنگین تر میکند.

رژیم چنان از شعله ور شدن مجدد انقلاب از درون مراسم‌های سالگرد وحشت دارد که حتی به مزار جانبختگان انقلاب هم یورش می‌برد. مانع برگزاری مراسم خانواده‌ها بر سر مزار عزیزانشان میشود و حتی سنگ قبرها را میشکند، میسوزاند و قیرپاشی میکند. این درجه توحش از سر اقتدار نیست، که اقتدارش مدت‌هاست فروریخته است. از سر استیصال است. نشانی از رعشه مرگ است که مردم انقلابی بر وجود حاکمان قاتل اسلامی انداخته‌اند. جانبختگانی که در قلب مردم جا گرفته‌اند و به نماد و پرچم انقلاب زن، زندگی، آزادی تبدیل شده‌اند. انقلابی که تا همینجا سنگرهای مهمی را فتح کرده است و جمهوری اسلامی را در بحرانی عمیق و سراسیمه سقوط قرار داده است.

عفو بین الملل در بیانیه ای که روز ۳۰ مرداد علیه فشار به خانواده‌های جانبختگان منتشر کرده، خواهان حمایت جامعه بین المللی از خانواده‌های جانبختگان، فشار جهانی به حکومت اسلامی برای دست برداشتن از بازداشت و تهدید این خانواده‌ها، لغو محکومیت‌ها و احکام ناعادلانه و آزادی همه کسانی شده است که به دلیل دفاع از حقیقت و عدالت در زندان هستند. عفو بین الملل در این بیانیه‌خواهان بازداشت مقامات جمهوری اسلامی شده و از همه دولت‌ها خواسته است که از "صلاحیت قضایی جهانی" استفاده کنند و برای مقامات جمهوری اسلامی "از جمله آن‌هایی که مسئولیت فرماندهی دارند" و "مظنون به مسئولیت کیفری برای جنایاتی هستند که بر اساس قوانین بین‌المللی در جریان خیزش و یا پس از آن مرتکب شده‌اند، حکم بازداشت صادر کنند." باید تلاش کنیم همه نهادهای بین المللی مدافع حقوق بشر به فراخوان عفو بین الملل برای بازداشت مقامات حکومت اسلامی بپیوندند و دولت‌ها را برای بایکوت همه جانبه سیاسی، فرهنگی و هنری جمهوری اسلامی زیر فشار قرار دهند.

یک رکن مهم جنبش سرنگونی، جنبش دادخواهی و اعتراض خانواده‌های

همراه و همبسته با مقاومت و مبارزه جسورانه خانواده‌های جانبختگان، پیش به سوی پیروزی انقلاب "زن زندگی آزادی"



جانبختگان انقلاب است. درد مشترک و رزم مشترک خانواده‌های جانبختگان، مقاومت جسورانه و پایداریشان در زنده نگه داشتن آرمانهای انسانی انقلاب و عزیزانشان، این جنبش را از ظرفیت بالایی برای اقدامات سراسری اعتراضی، شبکه‌های گسترده، نهادهای سراسری، بیانیه‌ها و اعتراضات سراسری برخوردار کرده است که هر کدام میتواند این جنبش را در داخل و در سطح بین‌المللی در موقعیت قدرتمندتری قرار دهد.

تا همینجا همبستگی میان خانواده‌های جانبختگان و همدلی و همدردی وسیع جامعه با این خانواده‌ها، حکومت را بویژه در آستانه سالروز انقلاب به وحشت انداخته است. از همه تشکلهای، نهادها، فعالین کارگری، فعالین سیاسی و مدنی، وکلای و نویسندگان، سلب‌رئیهای ورزشی و هنری و تک تک شهروندان زخم خورده از جمهوری اسلامی و منجزر از این حکومت انتظار می‌رود با تمام قوا یار و یاور خانواده‌های جانبختگان انقلاب باشند و دوش به دوش آنها جنبش دادخواهی را گسترش دهند. انقلاب زن زندگی آزادی، بزرگترین، توده‌ای ترین، مدرنترین، انسانی ترین، و ریشه‌ای ترین چالش سیاسی برای پایان دادن به عمر خونبار جمهوری اسلامی را آغاز کرده است. برای سرنگونی رژیم اسلامی و پیروزی انقلاب، با تمام توان به میدان بیاییم.

همراه و همبسته با مقاومت و مبارزه جسورانه خانواده‌های جانبختگان، پیش به سوی پیروزی انقلاب زن زندگی آزادی

حزب کمونیست کارگری ایران

۲ شهریور ۲۴-۱۴۰۲ آگوست ۲۰۲۳

لیست پیشنهادی کتبه‌سازانده برای شادوی ثبات مناسبت ۲۵ شهریور سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی

هر شب ساعت ۹

زن زندگی آزادی، زن ژیان نازادی	مرگ بر خامنه‌ای، مرگ بر دیکتاتور	فقر فساد گرونی میریم تا سرنگونی
این همه سال جنایت مرگ بر این ولایت	از کردستان تا تهران، اتحاد اتحاد	ما همه اهل جنگیم، جنگ تا بجنگیم
بترسید بترسید ما همه با هم هستیم	حکومت ضدزن نابود باید گردد	حکومت زن ستیز نابود باید گردد
حکومت کودک کش نابود باید گردد	جمهوری اسلامی نابود باید گردد	مرگ بر حکومت اسلامی
حکومت اعدامی نابود باید گردد	انقلاب، اعتراض، اعتصاب، اتحاد	یاشاسین کردستان، بڑی آذربایجان
زندانی سیاسی آزادی باید گردد	سپاهی بسیجی نیروی انتظامی داعش ما شمایی	کرد، بلوچ، آذری، آزادی برابری

جنبش دفاع از حقوق کودکان و انقلاب

رها ثابت

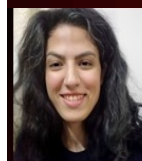
در آستانه سالروز انقلاب زنانه ایران "زن زندگی آزادی لازم است به وضعیت کودکان در جامعه نگاهی بیندازیم:

کودک را از زوایای گوناگون باید دید. از جنینی در رحم مادر که توانایی دفاع از خود را ندارد و در کشوری مثل ایران محکوم به تولدی با خطرهای بسیار و معلولیت هاست (برای نمونه به ممنوع شدن واردات کیت غربالگری دوران بارداری باید فکر کرد)؛ تا خنده های پر از امید کودکانه کیان پیرفلک ۹ ساله که با حمله وحشیانه حاکمیت ایران جاننش را از دست داد. از صورت دود گرفته کودکان کار که چون زمین تشنه، چروکیده شده اند، تا دخترانی که به خاطر فقر خانواده به فروش می رسند و به جای مدرسه و کلاس درس سر سفره عقد سند ازدواج را امضا می کنند، در حالی که محروم از امضای سند طلاق می باشند. کودک همسری که حتی قبل از انقلاب ۵۷ در بسیاری از مناطق ایران وجود داشت امروز نه تنها طبق آمارها بیشتر هم شده؛ بلکه آسیب های دردناک و ماندگاری بر زندگی این کودکان ایجاد میکند که زجر آن همیشه باقی میماند. و از سوی کارشناسان کودک هشدارهایی نیز داده شده است. کودکانی که قبل از رسیدن به سن ۱۸ سالگی یا مطلقه می شوند و یا در مواردی به دلیل خشونت زیاد حتی به تراژدی همسر کشی دست می زنند و تمام عمر روزگار بسیار سختی را بعضا در کنار فرزندانشان در زندانها می گذرانند. از این دست از زنان در زندان قرچک و ورامین و لاکان رشت کم نیستند. کودکانی که قربانی قوانین شریعت زده جاری در جامعه شده اند. قوانین بنیادی "آپارتاید جنسیتی" که تحت حاکمیت آن بیش از چهار دهه است که کودکان در ایران از خشونت های فراگیر در جامعه در عذابند. اگرچه قبل از انقلاب ۵۷ نیز این خشونت کودکان ایران را در شرایط سختی قرار می داد و نمونه بارزش کوره های آجرپزی است که کارگرانش اکثرا کودکان بازمانده از تحصیل و فقیر جامعه بودند.

امروز در آستانه انقلاب زنانه ایران هستیم؛ انقلاب زن زندگی آزادی. اگر در جامعه ای کودکان زندگی کودکانه نداشته باشند و از امنیت "اقتصادی؛ غذایی؛ مسکن، آموزش استاندارد و ۰۰۰" محروم باشند آن جامعه نشان از بی عدالتی و استثمار و آپارتاید جنسیتی دارد و قصه هایش تراژدیک است.

یکی از موضوعات اعتراض مردم، به این وضعیت جهنمی در قبال کودکان است و ما شاهد این بودیم که در انقلاب زن زندگی آزادی دانش آموزان این کودکان معترض به محرومیت از تحصیل رایگان و داشتن زندگی ای انسانی و زیر تعرض آپارتاید جنسی و چماق حجاب آن فریاد اعتراضشان بلند است. و این چنین بود که کودکان هم هدف سرکوب خشونت بار حکومت قرار گرفتند. کودکان بسیاری دستگیر شدند. نیروهای سرکوب بسوی مدارس شلیک کردند. و پور فلک ها و

عاتکه رجیبی معلم: نه تنها اعتراض که حتی انقلاب حق من است



عاتکه رجیبی

بله اعتراض کردم، باز هم اعتراض میکنم!

نه تنها اعتراض که حتی "انقلاب" حق من است!

مردم در خدمت حکومتها نیستند!

که حکومتها در خدمت مردم هستند!

و این مردم هستند که حکومتی را بخواهند یا نه!

حکومت در جایگاهی نیست که مرا بخواهد یا نه!

این من هستم که حکومت را انتخاب میکنم! (از مدیای اجتماعی)



خندانورها به قتل رسیدند. و مردم با شعار حکومت کودککش کش نابود باید گردد عزم جزم خود را برای جوار کردن این حکومت ضد بشر و کودک کش اعلام داشت. و امروز به نقطه ای رسیده ایم که دیگر جامعه به عقب بر نمیگردد.

متأسفانه امروز ما شاهد افزایش نرخ آمارهایی از محرومیت ها و خشونت های جنایتبار علیه کودکان هستیم که حاکمیت با بی شرمی یا کتمان می کند و یا با مقصر دانستن این و آن سعی در پاک کردن صورت مسئله دارد. خیابان ها؛ پیاده روهای شهر را کودکان صاحب شده اند. به جای کارناوالهای شادی و رقص در خیابانها کارناوال های فقر در آرایش هستند. نمونه اش کودکان گل فروش و شیشه پاک کن ماشینها و کودکان کار و کودکان زباله گرد هستند. کودکانی که خیابان هارا به صحنه هایی مملو از غم و اندوه بدل کرده اند. فقر به جای رفاه در ایران کودکان را نشانه گرفته است.

ما فعالین جنبش دادخواهی اعلام میداریم:

فردای پس از انقلاب: اولین گام در راه جامعه انسانی؛ اجرای تحصیل رایگان و اجباری؛ کوتاه شدن دست مذهب از آموزش و پرورش؛ آموزش مهارتهای زندگی متناسب با آخرین دستاوردهای علمی؛ امنیت محیط آموزشی و ۰۰۰ را لازم الاجرا می دانیم.

اگر تحصیل رایگان و اجباری باشد هیچ کودکی به خاطر فقر اقتصادی خانواده ترک تحصیل نمی کند. هیچ دختر دانش آموزی فروخته نمی شود و سرسفره عقد نمی نشیند. افزایش کودک همسری یک فاجعه انسانی و تکان دهنده است. ما ازدواج کودکان دختر را تجاوز به کودک و یک جنایت آشکار میدانیم. ازدواج کودکان دختر؛ شکنجه سپید است. کودک همسری، زنده به گور کردن کودکان است. نه به کودک همسری.

در آستانه سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی؛ با برافراشته شدن پرچم آزادی و برابری در جامعه به تمام پایمال کنندگان حقوق انسان و کودک؛ اعلام کیفرخواست میکنیم و در قبال جنایات حکومت بچه کش و حملات ددمنشانه اش به کودکان اعلام می داریم که نه می بخشیم و نه فراموش می کنیم.

جنبش دفاع از حقوق کودکان یک جنبش قدرتمند است. فعالین دفاع از حقوق کودک و معلمان نیروهای مهم این جنبش هستند. معلمان نقش مهمی در جلو آوردن شعار تحصیل رایگان و نه به کودک همسری داشته اند و این خود به بستری برای همبستگی مبارزاتی میان معلمان و خانواده های دانش آموزان شده است. در آستانه سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی شعارهای دفاع از حقوق کودکان را باید جلو آورد. یک شعار مهم اعتراضی مردم اعتراض به هدف سرکوب قراردادن کودکان است. از جمله شعار حکومت کودک کش نابود باید گردد را باید وسیعا بر در و دیوار نوشت و در کف خیابان فریاد زد.

زنده باد انقلاب زنانه در ایران!



یاشار سهندی

پیامی به اپوزیسیون راست؛ کارگران تعیین میکنند

یادداشتی با عنوان "آیا تعیین حداقل دستمزد لازم است؟" به قلم یک بابایی به نام "احد قربانی دهناری" منتشر شده است. از قرار معلوم این یادداشت به مذاق برخی خوش آمده که در سایت‌های بخشی از اپوزیسیون راست از جنس شورای تصمیم و مدیریت گذار و و... در هفته گذشته به صورت هماهنگ بازنشر شده است.

نویسنده هم فعال سیاسی (گویا ایشان از اعضای شورای ملی تصمیم هستند)، هم پژوهشگر معرفی شدند، بخصوص در زمینه "رواداری"، "تاب‌آوری و تحمل نظرات، اعتقادات، شیوه‌های رفتاری و علایق دیگران؟" و این رواداری گویا فقط نزد ایرانیان است و بس! فاشیسم چندان پدیده عجیبی نیست و مختص یک روان پریش سیاسی مانند هیتلر و موسولینی هم نیست، طرف میتواند خیلی هم محقق و پژوهشگر در باب تحمل نظرات و علایق دیگران باشد اما "رواداری" را به یک قوم و ملیت و نژاد خاص نسبت دهد. به قول معروف ایشان سیاه روی سفید نوشته اند: "من یکی از بنیادهای ایرانیت را رواداری می‌دانم. این پدیده را، در برخورد کوروش و داریوش با ملل مغلوب گرفته تا اندیشه‌ها و نوشته‌هایی که ایرانیان به آن عشق می‌ورزند و آن را زمزمه می‌کنند و در گفتگوهایشان از آن به عنوان حجت بهره می‌گیرند، می‌توان دید. به این مفاهیم دقت کنید: «پندار نیک، گفتار نیک، کردار نیک»، «میاژار موری که دانه‌کش است»، «بنی آدم اعضای یک پیکرند»، «آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است/ با دوستان مروت با دشمنان مدارا»، «تا جنبی کار خون‌آشامی است»؛ «بنیادهای ایرانیت» اگر فاشیسم و راسیسم نیست چی میتواند باشد؟ البته از حق نباید گذشت ایشان به "رواداری مسیحی" هم اشاره ای هم میکنند: "پیام برجسته انجیل، دشمنانت را دوست داشته باش، دیگران را ببخش و از قضاوت درباره دیگران بپرهیز و درباره دیگران تسامح کن، بود. رواداری که مسیحیت توصیه می‌کرد از خودگذشتگی، عشق و پذیرش دیگران سرشار بود." و در تاریخ ثبت است که رواداری از نوع مسیحیت آن چه هزینه سنگینی روی دست بشریت به جا گذاشت.

ایشان در نوشته دیگری، به "اخلاق در سیاست" پرداختند تا بفهمند و بفهماند چرا در عالم سیاست اپوزیسیون راست کسی که تا دیروز همسنگر بود یک شبه میشود دشمن! ارسطو و ماکیاولی و پوپر را به خط کردند که نهایتاً اینگونه در مورد انسان قضاوت کنند: "انسان در سرشت خود افزون‌طلب است، به ویژه وقتی پای ثروت، قدرت، مقام و سکس در میان است. هر انسان، یک شخصیت خودکامه در خود نهفته دارد. این افزون‌طلبی و خودکامگی، هر آن که امکان پیدا کند، به عمل در می‌آید... "خب معلوم نیست وقتی سرشت انسان اینگونه خودکامه است چرا برای ایشان سوال شده چرا کسانی که تا دیروز هم نظر بوده امروز مقابل هم می‌ایستند. حتی طرح سوال هم اشتباه است همسنگران دیروز یک شبه سرشت خودکامه شان، "دیکتاتور کوچیکه درون" بیدار نمی‌شود. تحولات سیاسی بیرون از یک سازمان یا یک تشکیلات یا یک جمع که برای هدف خاصی دور هم گرد می‌آیند وقتی نتیجه آن تحولات خلاف انتظارشان اتفاق می‌افتد طبیعی است اختلافات بروز پیدا کند و این یک روند است نه یک تحول یک شبه و بی مقدمه ناشی از خودکامگی درون آدمی. اگر در زمانه حال انجمن‌ها و تشکیلاتها که اپوزیسیون راست بر پا میکند به سرعت بی اثر میشوند باز به دلیل دیکتاتور کوچیکه درون آدمهای آن تشکیلات نیست، بلکه بدین خاطر است که چپ اجتماعی در جامعه ایران بسیار قوی است، و اپوزیسیون راست سعی دارد با تم باره مردم را راضی کند. مردمی که میخواهند سیل براه بیندازند تا اساس روابط کنونی را زیر و رو کنند. ایشان قصد دارند با بیل جلو سیل را بگیرند. چون شدنی نیست به جان هم می‌افتند. اینکه اپوزیسیون راست نمی‌تواند

یک حزب تشکیل دهد یا اعضای یک انجمن را برای مدتی طولانی در کنار هم نگه دارد نه از نتیجه سرشت خودکامه آدمها، بلکه حزب را لازم ندارند چون یک دیکتاتور مقتدر (برای رد گم کنی در تاریخ میگویند دیکتاتور مصلح) به بهترین وضعی نیازشان را برطرف میکند.

پرداختن به مسئله تعیین دستمزد از سوی یک فعال سیاسی راست، بی مقدمه نیست. اعتصابات و اعتراضات کارگری در سطح وسیع سالیانی است جاریست و این با خود سطحی از آگاهی طبقاتی به همراه آورده است. از سوی دیگر برخلاف نظر چپ سنتی، جنبش کارگری در انقلاب زن زندگی آزادی آنچنانکه ایشان جلوه میدهند بی اثر نبوده است. این چپ شعارهای مورد علاقه اش را، چون شعار "کار نان آزادی" در بطن مبارزات انقلاب جاری نشینده نتیجه میگیرد پس جنبش کارگری حضور ندارد! اما اپوزیسیون راست در این مورد بسیار حساستر از چپی سنتی است، چون به مانند خمینی از انفجار میان کارگران وحشت دارد. برای همین از الان دارند وعده میدهند متوجه "بهره برداری ناعادلانه از نیروی کار" و "آزبی‌منت‌های کارفرمایان" هستند و دلسوزانه مطرح میکنند به فکر "تشکل مستقل کارگران" هستند. بهر حال پیشگیری بهتر از درمان است!

یادداشت احد دهناری به مذاق اپوزیسیون راست خوش آمده است. چون به کارگران وعده میدهند که "بهر برداری از نیروی کار" (بهره برداری اسم رمز محترمانه بهره کشی است)، عادلانه صورت گیرد، و میتوان در یک فضای عرضه و تقاضای ملس، دستمزد را تعیین کرد و آنموقع است که ما از یک جامعه روادار برخوردار خواهیم بود و این شعر سعدی علیه الرحمه سر لوحه آن جامعه خواهد شد: "نابره رنج گنج میسر نمی‌شود/ مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد(!)" جناب دهناری این سوال را مطرح کرده اند: "پرسش این است، آیا تعیین حداقل دستمزد لازم است؟ آیا بهتر نیست عرضه و تقاضا سطح دستمزد را تعیین کند؟" بعد نتیجه گرفته اند: "به طور کلی، هدف اصلی از تعیین حداقل دستمزد، ایجاد تعادل میان منافع کارگران و کارفرمایان و تضمین حقوق کارگران برای کسب حداقل استانداردهای زندگی است.... "پس همان توافقات جمعی و سه جانبه نمونه جمهوری اسلامی کافی است چرا که "می‌تواند کمکی به مزدبگیران بی‌تشکل و بی‌پشتوانه باشد و آزبی‌منت‌های کارفرمایان را اندکی مهار کند." اولاً، مشکل همین جاست "آزبی‌منت‌های کارفرمایان" از یک پشتوانه حکومتی و نیز پشتوانه نظری امثال ایشان برخوردار است. دو ما چه کسی گفته هدف باید "کسب حداقل استانداردهای زندگی" باشد؟ چرا کارگر نباید از حداکثر استانداردهای زندگی برخوردار باشد؟ "تعادل میان منافع کارگران و کارفرمایان" بهم می‌خورد؟ تعادلی که الان برقرار است تنها به نفع سود سرمایه داران است؛ و تمام دعا بر سر بهم زدن تعادلی است که سیه روزی را برای کارگر تضمین میکند. اگر بحث عرضه و تقاضاست چرا عرضه کننده این کالای خاص، نیروی کار کارگر بعنوان صاحب این کالا نمی‌تواند چند و چون عرضه آنرا تعیین کند؟ جالب اینجاست این تنها کالا در دنیا است که خریدار، با حمایت مخوف ترین نیروهای

بیانیه دادخواهان به مناسبت سالگرد انقلاب مهسا

۲۵ شهریور، روز مهسا یک روز تاریخی است

روز مهسا را به روز دادخواهی زندگی بدل خواهیم کرد
کارهایمان را تعطیل میکنیم و مزار و محل کشته شدن

عزیزانمان را گلباران میکنیم.



۲۵ شهریور روز مهسا است

دیوارهای شهر را از نام و عکس عزیزان جانباخته مان پر کنیم و هر کوی و برزن صدای دادخواهی را به هر شکلی بلند کرده و خواب آسوده را از چشمان جنایتکاران قاتل برهانیم.

بعد از روز مهسا هر روز سالگرد عزیزی در راه است که یادآور اعتراضات به حق ماست.

از همه تشکلهای و نهادهای مدافع حقوق انسانی میخواهیم که روز مهسا را به روز همبستگی سراسری و دادخواهی زندگی بدل سازیم.

ما جز زندگی چیزی نمیخواهیم و آزادی حق ماست و به قدرت اتحاد مان پیروز می شویم.

زنده باد انقلاب مهسا

دادخواهان - شهریور ۱۴۰۲

نه میبخشیم نه فراموش میکنیم، ایستادهایم تا پایان، محاکمه آمرین عاملین، زن زندگی آزادی، انقلاب مهسا، (برگرفته از مدیای اجتماعی)

پیامی به اپوزیسیون راست؛ ...

از صفحه ۶

امنیتی میزان قیمت آنرا تعیین میکند. آنهم در بهترین حالت در حد کسب حداقل استانداردهای زندگی و اگر کارگری هم بخواهد بر سر آن اعتراض کند، از در و دیوار نیروی امنیتی بر سرکارگران میریزند که چرا در روند تولید اخلاص میکنند؟

به جناب دهناری و آنهایی که نوشته ایشان را مطابق میل خود یافته اند باید بگویم: زمین بازی عوض شده است. کارگر در ایران خواستار معیشت و منزلت همیشه نداشته خود است. و طی سالها مبارزه با بی رحم ترین حکومت سرمایه داران آنقدر آبدیده شده است که به کم راضی نشود. باور ندارید به مبارزات چند دهه گذشته کارگران توجه کنید؛ به منشور بیست شکل مراجعه نمایید. به طبقه ای نگاه کنید که اکنون حزب سیاسی خود را دارد و روشن و صریح در پی بدست گرفتن قدرت سیاسی است. و باید به "زبان کوچه" به اپوزیسیون راست یاد آور شویم: خواب دیدید خیر باشه! پیام ما به اپوزیسیون راست این است کارگران در تلاشند با مبارزات شان معیشت و منزلت خود و کل جامعه را تعیین کنند و میکنند.

به روز ۲۵ شهریور اولین سالگرد مهسا_امینی نزدیک می شویم. روزی که مهسا دختر جوان ما به سادگی توسط ماموران پلیس گشت ارشاد حکومت کشته شد و فیلم آخرین لحظات جان باختن وی خشم مردم به جان آمده را به انفجاری بدل کرد به دنبال قتل مهسا اعتراضاتی شروع شد که مردم از آن به عنوان انقلاب مهسا (ژینا) یاد می کنند.

انقلابی که زندگی را طلب می کند و فریادش #زن_زندگی_آزادی است. امروز یکسال از قتل مهسا(ژینا) امینی که اسم رمز اعتراض به حق ما شد، می گذرد و پاسخ حاکمان به ما گلوله های آتشی بود که صدها جان عزیزانمان را به کام مرگ کشاند و مجروحانی که چشم هایشان را از دست دادند.

و هزاران خانواده که به صف دادخواهان پیوسته ایم. بازماندگانی که دیگر زندگی برایمان جز دادخواهی معنایی ندارد و هم اینک با نزدیک شدن به #سالگرد انقلاب مهسا دستگاه امنیتی سرکوبگر اقدام به دستگیری و زندان و تهدید دادخواهان کرده است.

در حالیکه ما عزیزانمان را از دست داده ایم و دیگر حتی مرگ نیز برایمان هراسی ندارد و شاهد پاسخ مشترک و متحدانه خانواده های دادخواه به موج سرکوب جدید حاکمان بوده ایم که بین ما با تن بی جان جگرگوشه هایمان بر دوش و شما با زندان ها و شلاق ها و تهدیدهایمان، تنها یک جمله باقی ست:

«قسم به خون یاران؛

#ایستاده ایم_تا_پایان»

همچنین به همراه مردمی که هرگز تهایمان نگذاشتند و با اشکال مختلف از ما حمایت و پشتیبانی کردند، توانستیم با همصدایی هایمان گوش دنیا را پر کنیم و اینک در نزدیکی اولین سالگرد #روز مهسا شاهد صدور بیانیه ای از طرف سازمان عفو بین الملل بوده ایم که به فشارهای سیستماتیک وارد آمده بر دادخواهان و ظلم هایی که در حق خانواده ها روا داشته می شود اشاره کرده و از اینکه حتی به سنگ مزار جانباختگان نیز رحم نمی کنند.

همچنین در بخشی از بیانیه فوق آمده :

«با توجه به نظام مند بودن مصونیت از مجازات در ایران، عفو بین الملل از همه دولت ها می خواهد که از صلاحیت قضایی جهانی استفاده کنند و برای مقامات ایرانی از جمله آتھایی که مسؤیلت فرماندهی دارند، حکم بازداشت صادر شود.»

این قدمی در راه نتیجه بخش بودن مبارزاتمان است و برای ما امید بخش است. ما می توانیم به قدرت اتحاد و همبستگی هایمان زندگی که از ما سلب کرده اند را از چنگال کثیف جنایتکاران سرکوبگر رها سازیم و تمام آمرین و عاملین کشتارهای چندین ساله شان را به میز محاکمه و عدالت بکشانیم

۲۵ شهریور، #روز مهسا یک روز تاریخی است روزی که عزیزان ما به پاس زندگی و با اسم رمز مهسا به خیابان آمدند و فریاد "زن زندگی آزادی" سر دادند ما نیز از این پس به قدرت اتحادمان، ۲۵ شهریور، روز مهسا را به روز دادخواهی زندگی بدل خواهیم کرد.

کارهایمان را تعطیل می کنیم و مزار و محل کشته شدن عزیزانمان را گلباران می کنیم.

از همه انسانهایی که معنی زندگی را در آزادی می دانند می خواهیم با هر شکلی که می توانند این روز را به روز اعتراض سراسری بدل سازند. با سر دادن شعر و ترانه و سرودهایی که یادآور عزیزان جانباخته مان است یادشان را جاودانه سازیم و حق شادی و رفاه را فریاد کنیم.



داشت. نشت گاز محصور شده در یکی از شیرهای بخشی از پالایشگاه هاشمی نژاد سرخس که در دست تعمیر بوده است، منجر به انفجار شد. دو نفر از کارکنان پالایشگاه بر اثر این انفجار جان

باختند و پنج نفر مجروح و به بیمارستان سرخس منتقل شدند. مهندس سید کاظم میری، مسوول اورهال واحد دوم تصفیه گاز و هد شیفت A واحد تصفیه گاز و مصطفی سنجری از کارگران بخش خدمات واحد اسامی جانباختگان این حادثه است.

- علیرضا گل عنبری ۳۴ ساله متاهل و دارای یک فرزند، یکی از کارگران کارخانه لاستیک بارز کردستان به دلیل عدم ایمنی محیط کار دچار حادثه شده و جان خود را از دست داد. این حادثه بر اثر سقوط پالت لاستیک از روی لیفتراک پیش آمده و منجر به مرگ مغزی این کارگر شده است.

- عثمان اسماعیلی، فعال کارگری اهل شهر سقز توسط دستگاه قضایی، در مجموع به ۳۹ ماه حبس تعزیری محکوم شده است.

روز شنبه ۴ شهریور ۱۴۰۲

- جمعی از بازنشستگان شرکت سایپا، در اعتراض به عدم تحقق مطالباتشان مقابل ساختمان صندوق سرمایه گذاری سمیکو در تهران تجمع کردند.

- کادر درمان بیمارستانهای اصفهان مقابل استانداری دست به تجمع زدند. آنها خواستار تحقق وعده های دوران کرونا هستند که تاکنون اجرا نشده است.

- بهاره عسکری زاده معلم و فعال صنفی اهل استان خوزستان به دلیل شرکت در تجمعات معلمان در سال ۱۴۰۱ توسط هیات رسیدگی به تخلفات اداره آموزش و پرورش به ۴ ماه انفعال از خدمت محکوم شد.

روز یکشنبه ۵ شهریور ۱۴۰۲

-بازنشستگان صنایع فولاد البرز غربی و اصفهان در اعتراض به عدم رسیدگی به خواسته هایشان دست به تجمع زدند.

- جمعهایی از بازنشستگان تامین اجتماعی شهرهای شوش، کرمانشاه، دزفول، اهواز و شوشتر در تداوم سنت یکشنبه های اعتراضی تجمعات خود را برگزار کردند.

- پرستاران و کادر درمان بیمارستان میلاد تهران در اعتراض به عدم پرداخت معوقات مزدی دست به اعتصاب زده و در محوطه بیمارستان تجمع کردند.

- جمعی از معلولان و ناتوانان جسمی و حرکتی تهران مجدداً و در اعتراض به عدم اجرای ماده ۲۷ قانون معلولان مقابل نهاد ریاست جمهوری تجمع کردند.

- کارگران و کارکنان شرکت فروشگاه های زنجیره ای رفاه در اعتراض به عدم رسیدگی به مشکلاتشان و اخراج پرسنل مقابل ساختمان مرکزی رفاه در تهران تجمع کردند.

-رفیق سلیمی، فعال کارگری اهل سنندج به اتهام "ایجاد گروه های غیرقانونی و اقدام علیه امنیت ملی کشور" و همچنین "افساد فی الارض" به ۱۰ سال زندان محکوم شد. رفیق سلیمی در تاریخ ۷ آذر ۱۴۰۱ توسط نیروهای امنیتی بازداشت و تاکنون در زندان مرکزی سنندج به سر میرد.

- ریحانه انصاری نژاد، فعال کارگری به ۴ سال زندان محکوم شد. او همچنین بعنوان مجازات تکمیلی به مدت ۲ سال به ممنوعیت از عضویت در احزاب و دستجات سیاسی، فعالیت در فضای مجازی و رسانه ها و مطبوعات و خروج از کشور محکوم شده است.

-سارا سیاهپور معلم و فعال صنفی معلمان استان البرز توسط هیات تخلفات آموزش و پرورش به اتهام فعالیت های صنفی و شرکت در تجمعات و تحصنات معلمان از کار اخراج شد. وی پیشتر توسط قوه قضائیه به ۵ سال زندان محکوم شده است.

تهیه کننده سهیلا رضوانی

کارگران در هفته ای که گذشت

روز دوشنبه ۳۰ مرداد ۱۴۰۲

-رانندگان قراردادی شیفت صبح سامانه یک شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در اعتراض به کم کردن مبلغ بین ۳ تا ۵ میلیون تومان از حقوقشان، دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب ساعتی بعد و پس از وعده رسیدگی از سوی معاون بهره برداری سامانه یک پایان یافت.

-بازنشستگان شرکت مخابرات در شهرهای اهواز، کرمانشاه، اراک، مشهد، رشت، بندر عباس و ایلام مطابق با سنت دوشنبه های اعتراضی در اعتراض به عدم رسیدگی به خواسته هایشان از جمله همسان سازی حقوق ها، اجرای آئین نامه پرسنلی و استخدای و رفع مشکلات بیمه تکمیلی دست به تجمع زدند.

-جعفر ابراهیمی معلم زندانی و بازرس شورای هماهنگی تشکل های صنفی معلمان که از اردیبهشت ۱۴۰۱ بازداشت شده و تاکنون در زندان اوین محبوس است توسط شعبه ۳۱ دادگاه تجدید نظر تهران به ۵ سال زندان قطعی محکوم شد.

-بازنشستگان صداوسیما تهران در اعتراض به عدم رسیدگی به مشکلاتشان مقابل مسجد بلال دست به تجمع زدند.

-یک کارگر مقنی حدود بیست و پنج ساله چاه کن اهل افغانستان بر اثر ریزش دیواره چاه در حوالی دریاچه خلیج فارس تهران جان خود را از دست داد. همچنین یک کارگر مقنی دیگر در شیراز بر اثر سقوط به عمق ۷۰ متری چاه جان باخت.

-یک کارگر ۶۲ ساله دیگر در روستای گدوگانلو از توابع شهر شیروان در استان خراسان شمالی بر اثر ریزش دیواره چاه جاننش را از دست داد.

روز سه شنبه ۳۱ مردادماه ۱۴۰۲

-جمع هایی از معلمان بازنشسته و دیگر بازنشستگان کشوری در اعتراض به عدم تحقق خواسته هایشان و بنا بر سنت سه شنبه های اعتراضی بازنشستگان کشوری در شهرهای کرج، اهواز، سنندج، ایلام، کرمانشاه، قزوین، اردبیل، پلدختر، شهرکرد، تهران، سمنان، یزد، شیراز و خرم آباد دست به تجمع اعتراضی زدند.

-حکم اخراج دائم از کار محمد سعیدی ابوساحقی معلم و فعال صنفی لردگانی توسط دادگاه تجدید نظر تایید شد.

-حدود ۵۰ کارگر اخراجی شرکت داروگر تهران نسبت به ۳ ماه بلاتکلیفی خود همچنان معترض هستند. کارخانه داروگر تهران که در کیلومتر ۱۷ جاده قدیم تهران به کرج واقع شده است، از روزهای نخست خرداد ماه سال جاری به دلیل مشکلات مالی برای چندمین بار به حالت تعطیلی موقت درآمد و کارگران شاغل در آن؛ قبل و بعد از تعطیلی؛ طی چند مرحله اخراج و بیکار شدند که در نهایت حدود ۵۰ کارگر با سوابق حداقل ۱۰ و حداکثر ۲۵ سال اخراج شده که با پیگیری و تجمعات مداوم خواهان رسیدگی به وضعیت شغلی خود هستند.

-کارگران شرکتی پتروشیمی چوار ایلام نسبت به عدم تحقق وعده های مدیران اعتراض کردند. به گفته ی آنها، طرح طبقه بندی مشاغل و ساماندهی قراردادها قرار بود ماه قبل انجام شود ولی هنوز خبری از عمل به وعده ها نیست و همچنان صدها کارگر شرکتی بلاتکلیف مانده اند. ماه گذشته "حیدر محسنی" از کارگران شرکتی پتروشیمی چوار پس از اخراج از کار، خود را حلق آویز کرد و جان باخت.

روز چهارشنبه ۱ شهریور ۱۴۰۲

- شعبه تجدیدنظر هیات تخلفات وزارت آموزش و پرورش، حکم اخراج دائم از کار فریبا انامی معلم و فعال صنفی استان گیلان را عینا تایید کرد.

روز پنجشنبه دوم شهریورماه ۱۴۰۲

- وقوع انفجار در پالایشگاه گاز سرخس، مرگ و مصدومیت هفت کارگر را در پی

اعتراضات خشمگین بازنشستگان تامین اجتماعی، پرستاران و معلولان در چندین شهر

درد ما درد شماسست مردم به ما ملحق شوید



کمونیست کارگری بر اتحاد مبارزاتی همه بخش های بازنشستگان و اتحاد کارگران شاغل و بازنشستگان و حمایت وسیع مردمی از این مبارزات تاکید دارد.

در این روز همچنین پرستاران و کادر درمانی میلاد در اعتراض به وضع بد معیشتی و عدم پرداخت معوقات مزدی خود و شرایط سخت کاری شان تجمع داشتند. تجمع کنندگان در برابر تعرض نیروی سرکوب حکومت با فریاد "بیشرف، بیشرف"، و "ما همه با هم هستیم"، "مسئول بی لیاقت کجایی؟ کجایی؟" نفرت خود را از سرکوبگران بیان میکردند. تجمع کنندگان همچنین با شعار "کارکنان داد بزن، حقوقو فریاد بزن" اعلام کردند که تجمع فردا هم ادامه خواهد داشت و تا رسیدن به حق خود به تجمعاتشان ادامه میدهند. در همین رابطه در چهارم شهریور کادر درمان بیمارستانهای اصفهان و مشهد نیز تجمع داشتند. در اصفهان این تجمع مقابل استانداری برپا شد. معترضین شعار میدادند "ما زحمتها کشیدیم، هزینه اش را ندیدیم".

عدم اجرای وعده‌ها و قول‌هایی که در زمان همه‌گیری کرونا داده شده، اخراج بسیاری از پرستاران و کادر درمانی که ذیل طرح‌های مختلف در زمان کرونا جذب و علی‌رغم وعده‌ها از استخدام آنها خودداری شده، تبعیض در پرداخت تعرفه های پرستاری و عدم اجرای کامل آن، اضافه‌کاری‌های اجباری با حقوق ناچیز، کمبود پرستار و فشار سنگین کاری، و سطح نازل حقوقها از جمله موضوعات اعتراضات پرستاران و کادر درمان است.

در روز پنجم شهریور همچنین معلولین در تهران در مقابل نهاد ریاست جمهوری و در خوزستان و کرمانشاه در مقابل ساختمان سازمان بهزیستی در اعتراض به وضع اسفبار معیشتی و محرومیت از اولیه ترین نیازهای درمانی خود تجمع کردند. اجرای ماده ۲۷ "قانون حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت" که حداقل هایی برای معیشت آنهاست خواست فوری معلولین است. بر اساس این ماده دولت مکلف است که کمک هزینه معیشت افراد دارای معلولیت بسیار شدید یا شدید فاقد شغل و درآمد را به میزان حداقل دستمزد سالانه تعیین و اعتبارات لازم را در قوانین بودجه سنواتی کشور منظور کند. اگرچه حداقل دستمزد نیز خود چندین بار زیر خط فقر است. اما دولت ۵ سال است که از انجام این کار سرباز زده است.

حزب کمونیست کارگری ایران-۵ شهریور ۱۴۰۲، ۲۷ اوت ۲۰۲۳



تجمع بیش از هزار بازنشسته فولاد در اصفهان. بازنشستگان شعار میدهند: فولادی داد بزن حقوقو فریاد بزن

امروز پنجم شهریور بازنشستگان تامین اجتماعی همچون دیگر یکشنبه ها با خشم بسیار و در اعتراض به وضع اسفناک زندگی و برای پیگیری خواسته‌هایشان مقابل تامین اجتماعی در چندین شهر تجمع کردند. این تجمعات در شهرهای شوش، کرمانشاه، دزفول، و شوشتر جریان یافت.

در شوش بازنشستگان از کرخه، هفت تپه و شهر شوش در کنار هم تجمع داشتند و با پهن کردن سفره ای خالی و با شعار "سفره بی نان ما، چی می خواهید از جان ما" صدای اعتراض خود را علیه فقر و بی‌تامینی بلند کردند.

در اهواز بازنشستگان تجمع و راهپیمایی داشتند و با فریاد شعار "لشکری! کشوری! فولادی، تامین اجتماعی! اتحاد! جمعیت میلیونی بازنشستگان در سطح سراسری را به اعتراض فرا خواندند. در این حرکت اعتراضی بازنشستگان شعار میدادند: "درمان رایگان حق مسلم ماست"، "درد ما درد شماسست مردم به ما ملحق شوید"، "تجمع اعتراض حق مسلم ماست"، "به دزدی عادت کردن تامینو غارت کردن"، "حاصل کار دولت غارت جیب ملت"، "کو مهار تورم؟ دروغ می‌گین به مردم". دیگر شعارهای اعتراضی بازنشستگان در این روز در شهرهای مختلف عبارت بودند از: "تامینو غارت کردند ما را بیچاره کردند"، "دولت خیانت میکند، مجلس حمایت میکند"، "بازنشسته داد بزن، حقوقو فریاد بزن"، "حقوق نصفه نیمه، ساکت بشیم همینه"، "حقوق ما دلاریه، هزینه ها ریالیه"، "بازنشسته می میرد، ذلت نمی پذیرد"، "تورم، گرانی، بلای جان مردم"، "دشمن ما همین جاست، دروغ میگن آمریکاست"، "از خوزستان تا گیلان، ننگ بر مدیران"، "وعده هاشون چه خوب بود/ ولی همش دروغ بود"، "میرهاشم حیا کن، سازمانو رها کن"، "پیام ما به دولت، خجالت، خجالت"، "وعده وعید کافیه، سفره ما خالیه"، "دولت سرسپرده گرونی رو آورده"، "نوبت ما که میشه، خزانه خالی میشه"، "تنگ ما ننگ ما صدا و سیمای ما"، "ما میگی حق کمه، قیمت نون گران میشه"، "تورم اسفبار حاکم شده بر بازاد"، "اختلاس، گرانی، بلای جان مردم"، و "نه وعده نه بازی/ اجرای همسانسازی". با این شعار ها بازنشستگان خشم و اعتراض خود را علیه فقر و بی‌تامینی و اختلاسها ابراز کردند. در این روز همچنین بازنشستگان فولاد نیز در اصفهان و البرز غربی در اعتراض به گرانی و تورم و برای پیگیری خواسته‌های پاسخ نگرفته خود از جمله درمان رایگان، همسانسازی حقوقها و افزایش سطح آنها و پرداخت معوقات سال ۱۴۰۰ مقابل دفتر بازنشستگی تجمع داشتند. در اصفهان بازنشستگان فولاد در خیابان نشاط تجمع داشتند و شعار میدادند: "حسین حسین شعارشون، دروغ و دزدی کارشان"، و "فقط کف خیابون، بدست میاد حقمون".

بازنشستگان صدای اعتراض همه مردم علیه فقر و بی‌تامینی هستند. و در آستانه سالگرد انقلاب نقش مهمی در تحرک مبارزاتی در سطح جامعه دارند. حزب

سپیده از جانب مردم به صورت آمنه سادات ذبیح پور بازجو خبرنگار حکومتی تف کرد



مدعی شد که مردم او را دوست دارند و او حرف مردم را میزند. سپیده هم به گفته خودش "از طرف مردم" در صورت وی تف کرد. سپیده گفته بود که نه برای دفاع از خود که به منظور «مقاومت برای آن چیزی که مردم با جنبش خود به دست آورده‌اند» در دادگاه کذایی حکومت شرکت میکند. سپیده قلیان یکی از چهره‌های شاخص معترض و جسور علیه سیستم سرکوب و زندان و تحجر اسلامی است و در قلب همه مردم جای دارد. آزادی سپیده قلیان خواست همه مردم این کشور است و با ادامه انقلاب زن زندگی آزادی سپیده و همه زندانیان سیاسی را آزاد خواهیم کرد.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
شهلا دانشفر - سوم شهریور ۱۴۰۲
برگرفته از مدیای اجتماعی

دادگاه سپیده قلیان پشت درهای بسته برگزار شد

سپیده از جانب مردم به صورت بازجو خبرنگار حکومتی تف کرد

بنا بر گزارش منتشر شده از سوی مهدی قلیان برادر سپیده قلیان، این زندانی سیاسی محبوب مردمی در صبح روز ۳۱ مردادماه و برای چندمین بار دادگاهی شد. این دادگاه بدنبال شکایت آمنه سادات ذبیح پور بازجو خبرنگار منفور صدا و سیما جمهوری اسلامی در شعبه ۱۲۰۷ کیفری مجتمع قضائی کچویی برگزار شد. جمهوری اسلامی قرار بود دادگاه را به صورت علنی برگزار کند اما به بهانه اینکه سپیده به حجاب اجباری در دادگاه تن نداد، به همان روال همیشگی پشت درهای بسته برگزار گردید. در این دادگاه ذبیح پور هم حاضر شده بود. گفتنی است که در فاصله ی بین دادگاه قبلی تا امروز قاضی دادگاه تغییر کرده و رسیدگی به پرونده به قاضی جدیدی محول شده بود.

آمنه سادات ذبیح پور از همان بدو ورود به جلسه دادگاه با گستاخی اتهاماتی از قبیل "جاسوسی" و "اغتشاشگری" را علیه سپیده قلیان مطرح کرد و به تهدید وی ادامه داد. مهدی قلیان برادر سپیده میگوید: او احتمالاً فراموش کرده بود در دادگاه، نه به عنوان مرجع صدور حکم که به عنوان شاکی حضور دارد. وی در مقابل پرسش وکلای سپیده در رابطه با "مجوز ساخت مستند طراحی سوخته"، پاسخی نداشت. مهدی قلیان در گزارش خبری خود همچنین از دو وکیل شجاع سپیده آقایان امیر رئیسین و جمال حیدری منش که همواره کنار مردم بوده‌اند سیاستگزاری کرد. سپیده در این دادگاه از خبرنگاران معترض و شریفی همچون "نیلوفر حامدی" و "الهه محمدی" یاد کرد و ذبیح پور آنها را نیز جاسوس اسرائیل و آمریکا خواند. آمنه سادات ذبیح پور همچنین بارها به حضور بدون روسری سپیده در دادگاه اعتراض کرد که قاضی دادگاه در پاسخ اعلام کرد به دلیل حضور بدون حجاب در دادگاه برای بار دوم برای سپیده قرار مجرمیت صادر میکند. آمنه سادات ذبیح پور در این دادگاه

عثمان اسماعیلی به ۳۹ ماه حبس محکوم شد

عثمان اسماعیلی، فعال کارگری شناخته شده در سقز و زندانی سیاسی پیشین به ۳۹ ماه حبس محکوم شد. او با اتهاماتی چون "تبلیغ علیه نظام از طریق شرکت و سخنرانی در مراسم خاکسپاری ژینا امینی" و عضویت در کومله مورد محاکمه قرار گرفته و حکم زندان گرفته است. بنا بر خبرها با توجه به وضعیت سنی عثمان اسماعیلی این چهره محبوب کارگری، ۱۶ ماه از این حکم اجرایی خواهد بود. عثمان اسماعیلی پیش از این بارها سابقه‌ی زندان داشته است. آخرین مورد آن در اواخر بهمن سال گذشته بود که پس از گذشت ۷۰ روز، با قرار وثیقه موقتاً آزاد شد.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی (FTN) زندانی کردن عثمان اسماعیلی را محکوم میکند و برای آزادی بی قید و شرط او تلاش میکند. محکومیت عثمان اسماعیلی با واکنش اعتراضی بسیاری در مدیای اجتماعی روبرو شده است. با اتحاد مبارزاتی سراسری باید بساط سرکوب و زندان حکومت را عقب زد. با قدرت خیزش مردمی میشود در زندانها را گشود و همه زندانیان سیاسی را آزاد کرد. باید به امنیتی کردن مبارزات خاتمه داده شود و پرونده امنیتی تشکیل شده برای عثمان اسماعیلی و تمامی فعالین سیاسی لغو شود. حق تشکل، تحزب،



Osman Esmaili

تجمع، اعتصاب حقوق پایه ای مردم است. انقلاب زن زندگی آزادی حرکت مردم برای دستیابی به وسیعترین آزادی ها در جامعه است. جمهوری اسلامی این حکومت زندان و سرکوب باید سرنگون شود.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
۲ شهریور ۱۴۰۲ - ۲۴ اوت ۲۰۲۳
shahla.daneshfar2@gmail.com
<https://www.free-them-now.com/>
برگرفته از مدیای اجتماعی

کارگر کمونیست

مسئولیت مطالب با نویسندگان
انهاست. درج مقالات در کارگر
کمونیست لزوماً به معنی تأیید
مضمون آنها از جانب نشریه نیست

بیانیه شورای هماهنگی در خصوص بازداشت فعالین حقوق زنان در گیلان



دستپاچگی حاکمیت برای جلوگیری از شروع مجدد اعتراضات در شهریور ماه است.

مطابق معمول شاهد تکرار

بی‌شرمانه سناریوسازی‌های نیروهای امنیتی و همراهی صدا و سیما و دستگاه قضایی هستیم از داستان‌سرایی‌هایی نخ‌نمایی که سال‌هاست حاکمیت در تلاشی مذبوحانه به آن متوسل می‌شود و نزدیک‌ترین نمونه‌ی آن سناریوسازی سال گذشته، در آستانه روز جهانی کارگر، علیه فعالین صنفی معلمان و کارگران بود. خود حاکمیت نیز واقف است که این داستان‌پردازی‌های بی‌اساس هیچ مبنایی در جهان واقع و هیچ تأثیری در اراده‌ی نیروهای معترض ندارد. نیز بر همگان روشن شده است که این سناریوسازی‌ها مطلقاً هیچ مخاطبی در سطح جامعه ندارد و هیچ عقل سلیمی این داستان‌های جن و پری سناریونویس‌های کم‌هوش و غیرخلاق نهادهای امنیتی را باور ندارد. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، ضمن تأکید بر مطالبات آزادی‌خواهانه و برابرطلبانه جنبش ژینا، بازداشت غیرقانونی فعالین حقوق زنان و کودکان و نیز دیگر فعالین حوزه‌های مختلف را شدیداً محکوم کرده و خواستار آزادی بی‌قید و شرط آن‌ها است. این شورا همچنین از مردم سراسر کشور می‌خواهد که صدای این زندانیان و نیز دیگر زندانیان سیاسی سراسر ایران باشند.

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران
دوم شهریور ماه ۱۴۰۲ (برگرفته از مدیای اجتماعی)

در شهریور ۱۴۰۱ و در پی قتل حکومتی ژینا امینی، خشم فروخورده‌ی مردم در کف خیابان‌ها بار دیگر طغیان کرد و به رغم کشتار و بازداشت گسترده معترضان، پایه‌های سست شده حاکمیت بیش از هر زمانی دیگر به لرزه درآمد. مردم ایران در هماهنگی ای قابل ستایش و با ترجمه شعار کوردی ژن ژیان نازادی به زبان‌های مختلف، این شعار پیشروانه را به سطح جدیدی از مطالبه‌گری پیوند زدند و یک جنبش انقلابی تمام عیاری را به تاریخ آزادی‌خواهی منطقه اضافه کردند، جنبشی که انعکاس جهانی بی‌دیلی را به همراه داشت.

نقش بی‌مانند و پیشروانه زنان و دانش‌آموزان دختر در این جنبش باشکوه، دستگاه‌های امنیتی حاکمیت را چنان مرعوب کرد که از هیچ کوششی برای خاموش کردن این صدای حق‌خواهی فروگذار نکرده و نمی‌کنند. آن‌ها در آستانه قیام ژینا، در اقداماتی به اصطلاح پیشگیرانه شمار زیادی از فعالین را در مناطق مختلف دستگیر کرده‌اند.

در هفته‌های گذشته زنان گیلان و کوردستان، که به صورت گسترده‌تری در صف اعتراضات بودند، آماج موج جدیدی از بازداشت‌های خودسرانه غیرقانونی و فراقانونی قرار گرفته‌اند و بیشترین بازداشت‌های اخیر از این مناطق بوده است.

دستگیری دوازده نفر از فعالین حوزه زنان و کودکان در گیلان، به نام‌های فروغ سمیع‌نیا، جلوه جواهری، متین یزدانی، یاسمین حشدری، نگین رضایی، زهره دادرسی، زهره دادرسی، واحد خوش‌سیرت، شیوا شاه‌سیاه، آزاده چاوشیان، سارا جهانی، و هومن طاهری، نیز بازداشت بیش از سی نفر از فعالین کورد، برآیندی از

در آستانه سالگرد بزرگترین تکانه مردم ایران، در آستانه انقلاب زن زندگی آزادی، هجوم گسترده علیه جامعه و بخصوص "زنان" نشان از چیست؟

در تداوم سرکوب‌های قبلی، در طی ۳ روز گذشته نیز هجوم وحشیانه و بازداشت فعالین زنان و فعالین سیاسی-اجتماعی در شهرهای رشت، فومن، انزلی، بابل، مهاباد، پیرانشهر، اصفهان، ایذه، زاهدان، تهران، تبریز و ... بار دیگر صحنه شکاف عمیق و پر نشدنی میان حاکمیت و مردم را روشنتر نمود.

زنان با حجاب سوزان و ترمز آشکار از همه زورگوییها، بطور منسجم و فراگیر در همه عرصه‌های زندگی به پا خاسته و حکومت را عاصی نموده و همه تهدیدها و اربابها و سرکوبها را با شهامت بینظیرشان به پیشیزی نگرفته و نخواهند گرفت. خیابان همچنان در اختیار زنان است.

قطعا هراس از ادامه این مبارزه در آستانه سالگرد خیزش انقلابی #زن_زندگی_آزادی چنان عمیق است که حمله به منازل فعالین و دستگیری گسترده آنان تنها گزینه و تنها راه حل ممکن برای حکومت قلمداد میشود.

ده‌ها نفر در عرض ۳ روز بازداشت شده و هیچ نهادی به خانواده‌های نگران آنان پاسخگو نیست. این امر نشان از ضعف و ترس یک حکومت است نه اقتدار آن.

زنان بپا خاسته‌ی گیلان و کردستان و خوزستان و ... پرچمدار رفاه و آزادی و حفظ محیط زیست و دادخواهی هستند و گرچه هزینه‌های سنگینی را پرداخت نموده‌اند ولی از شانه‌های محکم و استوارشان برای استمرار انقلاب #زن_زندگی_آزادی ستونها ساختند. همه‌ی آنان که به اسارت گرفته شده‌اند، فرزندان انقلابند و ما در کنارشان بوده‌ایم! ما این بازداشتها را در روند سرکوب همه جنبشهای معیشتی و آزادیخواهانه میبینیم و آنرا شدیداً محکوم نموده و خواهان آزادی بی‌قیدوشرط همه دستگیر شدگان هستیم. #سرکوب_زنان_سرکوب_جامعه_است.

شورای بازنشستگان ایران (برگرفته از مدیای اجتماعی)

انفجار در پالایشگاه گاز سرخس و درگذشت دو کارگر

در انفجار روز دوم شهریور در پالایشگاه گاز سرخس، دو نفر از همکاران ما به اسامی کاظم میری، مسوول اورهال واحد دوم تصفیه گاز و سنجرانی از کارگران بخش خدمات واحد جان خود را از دست دادند.

جانباختن این همکاران را به خانواده‌های گرمی آنان و به همه همکاران تسلیت می‌گوییم. نا امنی محیط کار مراکز نفتی را به یک بمب انفجاری تبدیل کرده و حوادثی از این قبیل و وقوع انفجار و حریق هر ساله از ما کارگران قربانی می‌گیرد. یک خواست فوری ما کارگران نفت رسمی و غیر رسمی و در همه بخش‌های صنعت نفت ایمن شدن محیط کار با بکارگیری بالاترین استانداردهای علمی است.

در اتفاق ناگوار روز دوم شهریور همچنین ۵ نفر از همکاران مصدوم شده و به بیمارستان منتقل شده‌اند که خطر مرگ آنها را نیز تهدید میکند. همه این همکاران قربانیان سودجویی‌های مثنی سرمایه دار مفتخور هستند. با اعتراضات جلوی تکرار چنین جنایاتی را بگیریم. در همه جا بخواهیم فوراً و فوراً شرایط ایمنی محیط کار فراهم شود. ما کارگران عامل اصلی چنین جنایاتی را می‌شناسیم و اولتیماتوم میدهیم که دیگر بس است. شما باید جوابگو باشید. محیط ایمن کاری حق مسلم ماست شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت، (برگرفته از مدیای اجتماعی).

